

اختر

فوتبال به وقت بندر

سلطه تقریباً ۱۸۰۰ روزه اسپانیایی‌ها بر اروپا، به شکلی کاملاً نمادین در مادرید توسط انگلیسی‌ها به پایان رسید. انگلیسی‌ها در مدرن‌ترین و یکی از بزرگ‌ترین ورزشگاه‌های پایتخت اسپانیا



علی کربلایی

جشن قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را برگزار کردند. برای اولین بار بعد از ۱۰۹۹ روز بود که بعد از سوت سیبلس جشن قهرمانی را برگزار نمی‌کردند، اما سرخ‌های مرسای جای آنها را پر کردند. جوردن هندرسون در ورزشگاه خانگی آنتیکومادرید واندا مترو پولیتانو، جامی که سه‌بار پیاپی توسط سرخیو راموس بالای سر برده شده بود را بوسید و بلند کرد و با فریادش یک پیام واضح را به گوش همگان رساند: بازی عوض شده است.

از ۱۵ جام اروپایی ممکن در پنج فصل گذشته ۱۴ جام به اسپانیایی‌ها رسیده بود. آنها پنج‌بار پیاپی فاتح لیگ قهرمانان شدند و چهاربار در پنج سال لیگ اروپا را بردند و سوپرکاپ‌ها هم همواره برندگان اسپانیایی داشتند. در سال ۲۰۱۹ اما ورق بازی‌ها برگشت و این انگلیسی‌ها بودند که بالاخره برنام‌های‌شان جواب داد و در آمد هتگت حق پخش تلویزیونی، کمک کرد تا تیم‌هایی آن قدر با کیفیت داشته باشند تا ما به‌طور هم‌زمان شاهد دو فینال تمام انگلیسی باشیم. سه تیم از لندن - که دو تای آنها شمال لندنی بودند - و یک تیم از بندر لیورپول فینال‌های این فصل اروپا را برگزار کردند. حالاً ساعت فوتبال به وقت بندر تنظیم می‌شود.

هواداران جذاب‌ترین لیگ دنیا می‌توانند ادعا کنند «قوی‌ترین» تیم‌های فوتبال اروپا در این لیگ توپ می‌زنند. لیورپول دوبار پیاپی به فینال لیگ قهرمانان رسیده و یک‌بار قهرمان شده است، اما هنوز نتوانسته ناکامی‌اش در لیگ برتر را به پایان برساند. حالا هواداران انگلیسی با کنایه به سیاستمداران‌شان می‌گویند ما بخش بسیار مهمی از اروپا هستیم و لازم نیست از این اتحادیه خارج شویم.

حضور مربیان بزرگ فوتبال دنیا در لیگ برتر انگلیس، تأثیرش را به سرعت در فوتبال انگلیس گذاشت. زمانی که انگلیسی‌ها یورگن کلوپ و گوار دیوولا را به لیگ برتر آوردند، همه منتظر پیشرفت تیم‌های این کشور بودند. سایر تیم‌ها به جز لیورپول و من‌چسیتی ناگزیر بودند پیشرفت کنند. چلسی با مائوریتسیو ساری به ساری‌بال پناه برد و موفق شد علاوه بر کسب سهمیه، قهرمان لیگ اروپا هم شود. پروژه تاتنهام و بوچچینو به اوج شوکوفایی خودش رسیده و این تیم حالا ورزشگاه جدیدش خودش را به عنوان یکی از قدرتمندترین همیشه حاضر در تاپ‌فور معرفی کرده است. حضور این تیم در فینال لیگ قهرمانان اروپا، بدون حتی یک خرید در دو پنجره نقل و انتقالاتی اخیر نشان‌دهنده مدیریت فوق‌العاده و نهایت بهره‌وری از استعدادهاست. تیم‌های انگلیسی به مربیان بزرگی که در لیگ‌های دیگر به موفقیت رسیده‌اند پناه آورده‌اند و با استفاده از سیاست‌های نقل و انتقالاتی صحیح و مدیریت مالی درست، در حال به ثمر نشاندن پروژه‌های‌شان هستند. برخلاف گذشته که غول‌های اسپانیایی پراختیاری ستاره‌های تیم‌های انگلیسی را از چنگ‌شان در می‌آوردند، طی این سال‌ها انگلیسی‌ها مقاومت خوبی در قبال فروش ستاره‌های‌شان کرده‌اند. تاتنهام با فروش فیول و مودریچ به رئال مادرید، کمک کرده است تا این تیم کرد تا به قهرمانی‌های پیاپی اروپایی برسند. شاید همین موفقیت‌های مادریدی‌ها بود که آنها را مصمم کرد تا ستاره‌های‌شان را حفظ کنند. در حالی که کمتر کسی امید داشت کین و آریکسن در لندن بمانند، دی لوویس مددی این باشگاه موفق شد آنها را حفظ کند و با تاتنهام باشگاه را تغییر دهد. در حال حاضر همه می‌دانند که تاتنهام یک باشگاه فروشنده نیست. لیورپول که چند فصل قبل به راحتی لوئیس سوارس را از دست داده بود، کوتینیو را با مبلغی ۱۴۰ میلیون یورویی به بارسا فروخت تا این پول هتگت فن‌دایک و الیسون بکر را به خدمت بگیرد و مسیر قهرمانی‌شان در اروپا هموار شود. در واقع افزایش درآمد تیم‌های انگلیسی از حق پخش تلویزیونی باعث شده تا باشگاه‌های انگلیسی بزرگ به دنبال در آمد از فروش بازیکن نباشند. این روند در سال‌های آتی هم احتمالاً ادامه خواهد داشت و تفاوت درآمد انگلیسی‌ها و سایر تیم‌های بزرگ خودش را در نتیجه گرفتن این تیم‌ها نشان می‌دهد.

این تابستان، تابستانی بسیار تعیین‌کننده است. ستاره‌ها و مربیان بزرگی این فصل از تیم‌های‌شان جدا می‌شوند و مقاصد احتمالی آنها می‌تواند توازن قدرت در اروپا را دوباره تغییر دهد. کپکاشانی‌های برای احیای قدرتمندشان یکی از بهترین‌ها ستاره‌های لیگ برتر انگلیس به نسام اند هازارد را جذب خواهند کرد و به دنبال حداقل یک ستاره بزرگ دیگر نیز خواهند بود. قهرمانان نیز به دنبال تقویت تیم‌های خود هستند و با ستاره‌های بزرگی به توافق رسیده‌اند. یوونتوس تنها هدفش را برای فصل بعد قهرمانی اروپا گذاشته و به همین دلیل با پرتغالی‌ترین مربی تاریخ و پرتغالی‌ترین مربی تاریخ خود را جذب خواهد کرد. می‌توانیم چشم‌انتظار یک فصل فوق‌العاده دیگر در فوتبال اروپا باشیم؛ فصلی که بزرگان همیشگی اروپا به دنبال اثبات خودشان هستند و غول‌های جدید به دنبال تثبیت جایگاه فعلی‌شان.



Getty Images

لیورپول فاتح چمپیونز لیگ شد

قهرمانی در شب بی‌شکوه مادرید

بازی کشید و باقی داستان را هم که می‌دانید. در حقیقت بوچچینو طرقداران تاتنهام را در مربیگری این تیم سهیم کرد و چوب تصمیمش را هم خورد، ولی با این حال معلوم نیست که او چرا لوکاس مورار در دقیقه ۶۵ وارد زمین کرد. نیمه‌اول به خوبی نشان داد که تاتنهام توان چندانی برای شنبه‌ناردر تکنیک ناب مورا و انگیزه بالای‌اش برای اتمام کار درخشاش مقابل آژاکس، می‌توانست روح تهاجم‌رادر کالیدی جان تاتنهام، بدمد، ولی ظاهراً بوچچینو در جریان بازی فینال دچار نوعی رختی فکری شده بود که ستاره بازی فینال رساندره بود، اینکه چرا بوچچینو هرری کین را به لوکاس مورا ترجیح داد، احتمالاً فقط ناشی از محبوبیت هرری کین نزد تماشاگران تاتنهام است، ولی کین در طول ۹۰ دقیقه فقط یک شوت نه‌چندان خطرناک زد و در زدن ضربات سر هم کاملاً ناموفق بود. در واقع بوچچینو شهرت را به کیفیت ترجیح داد، هم از این رو لوکاس مورا روی نیمکت نشست و هرری کین به میدان رفت. احتمالاً بوچچینو می‌خواست دهان تماشاگران معترض را ببندد که چنین خطای فاحشی مرتکب شده، همان‌طور که تله ستاندارد بازی برزیل و فرانسه در جام جهانی ۱۹۸۶، زیکو را با فشار تماشاگران به میدان فرستاد و او هم پنتالی برزیل را مقابل ژول باتس هدر داد و کار به ضربات پنتالی آخر

قیام کلوپ علیه فلسفه خودش

ویراومی چریند قهرمان حق دار دادز تر فندهایی استفاده کند او حق دارد که دشمنش براساس قواعد باو مبارزه نمی‌کند، قواعد را بشکند، رستم را مقابل اسفندیار در نظر بگیرد وقتی حریف اولین است و هافبک‌ها باید به محض این‌که صاحب توپ می‌شوند می‌کشند زورش تا شاید صلاح‌ومنه کاری مرسوم به‌دور است رستم مقابل سهراب هم به همین شکل است، وقتی حریف جوان تر است، یعنی قواعد برابر نمی‌گردد، پس رستم هم کلک می‌زند. قصه‌ها سرشار از ترندهای قهرمان‌هاست. گرچه قهرمان قبل استفاده از ترند باید ثابت کرده باشد که لیاقت رسیدن دارد، و گرنه این‌جانبین قهرمان و ضدقهرمان تفاوتی دیده نخواهد شد. حالا قصه بوگن کلوپ و فینال‌ها را نگاه کنیم. آیا بوگی دوست‌داشتنی لیاقت رسیدن به جام قهرمانی را نداشت؟ آیا او بعد از سه‌بار حضور در فینال سالی و هفتمین فینال زندگی‌اش لیاقت نداشت که یک‌بار جام‌المس کند؟ او با آن همه چیزی که به فوتبال دنیا عرضه داشته، شورش و اشتیاق و فلسفه و جذایت، آیا نباید در عوض چیزی دریافت کند؟ ناچارتر در ترین هوادار منجستری هم نمی‌تواند بگوید که کلوپ شایسته رسیدن به بهترین‌ها نبوده، اما کلوپ چه کار می‌تواند بکند وقتی تقدیر نمی‌خواهد اجازه دهد او برسد؟ وقتی قواعد فوتبال کمی می‌گوید هریمی بهترین‌ها کندی‌بند می‌شود در فینال‌ها برای تیم‌های کلوپ تغییر می‌کند، بله کلوپ باید کلک بزند

تاتنهام شخصیت قهرمانی نداشت شب بی‌شکوه مادرید، اگرچه تاحدی ناشی از پنتالی دقیقه اول بازی بود و تاحدی هم زیر سر بازی بسته و دفاعی یورگن کلوپ، ولی عامل اصلی اش فقدان شخصیت لازم در تیم تاتنهام بود. تاتنهام شخصیت حضور در فینال چمپیونز لیگ را نداشت، دست کم به دو دلیل اول اینکه تاتنهامی‌ها تاکنون به فینال لیگ قهرمانان نرسیده بودند و چیزی اساسی از بزرگی کم نداشتند. آنها اگر سال بعد با سال‌های بعد دوباره به فینال برسند، قطعاً چهره دیگری از خود نشان خواهند داد، اما فی‌الحال باید گفت که تاتنهام تیمی نبود که در خور فینال باشد.

زشت‌ترین فینال لیگ قرن ۲۱

در این دو دهه‌ای که از قرن بیست و یکم می‌گذرد، مسابقه لیورپول - تاتنهام را قطعاً باید نا جذاب‌ترین بازی فینال لیگ قهرمانان اروپا قلمداد کنیم. به نظر می‌رسد نه کشیدن ظرفیت روانی تاتنهام برای درخشش در این تورنمنت، علت اصلی این واقعه بوده باشد. تاتنهام در مصاف با منجستر سیتی و آژاکس دوبازی درخشان ارائه کرد و به فینال رسید. شاگردان بوچچینو در بازی بر شکست مقابل من سیتی خوش درخشیدند و به نیمه‌نهایی رسیدند. در بازی برگشت با آژاکس هم شبی باور



اگر نتیجه هم نگرقتم، نگرقتم، او می‌رفت که بهترین فوتبال ممکن را به نمایش بگذارد. او تلاش می‌کرد اما هر بار چیزی مانعش می‌شد انگار دستی از غیب نمی‌خواست اجازه دهد او تیمش قهرمان شوند. تقدیر با چیزی شبیه به این مامی توانیم با مطرح کردن چنین بحث‌های مخالف دنیاراز دید کلوپ ببینیم، اوست که باید از جن کنداوست که باید تاکتیک و استراتژی بچیند و در نهایت اوست که تصمیم می‌گیرد تیمش با همان سبک سابق به زمین برود یا نه. لویی که تجربه فینال از دست داده را در ذهن دارد و نمی‌تواند بی‌خیال هفتمین فینال متوالی‌اش شود، او به خوبی می‌داند هفتمین شکست متوالی‌اش در فینال موجب می‌شود دیگر هیچ کس به او اعتماد نکند. پس حق دارد کاری برای خودش بکند. آنجایی که دست تقدیر پائیر وهای مخالف قهرمان جلوترند

پراسپیونر

فینال لیگ قهرمانان اروپا در حالی با پیروزی لیورپول به پایان رسید که اکثر تماشاگران این مسابقه، به هیچ‌وجه احساس نکردند که شاهد رقابتی در خور فینال چمپیونز لیگ بودند. لیورپول در دقیقه اول بازی بر اثر یک خطای هند تصادفی به گل رسید و بازی را بست و در دقیقه پنجم هم گل دوم را زد و جام قهرمانی را به خانه برد. لیورپول سال قبل هم مستحق قهرمانی بود. اگر سرخیو راموس آن خطای ناجوانمردانه را روی محمد صلاح مرتکب نمی‌شد، چه‌بسا شاگردان یورگن کلوپ همان سال قبل در یک بازی درخشان و باشکوه، در مصاف با تیم بزرگ رئال مادرید، قهرمان اروپا می‌شدند، اما با مدار یکشنبه لیورپول‌ها در یک بازی بی‌شکوه در برابر یک تیم درجه دوم، موفق به کسب عنوان قهرمانی اروپا شدند. اگر چه لیورپول در سال‌های اخیر آن قدر طعم فوتبال زیبا را به فوتبالیست‌ها جهان چشاده است که قهرمانی پس از یک بازی نازیبا، حقیقی باشد و از این بابت شایسته خرده‌گیری و ملامت چندانی نباشد. اما آنچه در فینال شنبه شب در مادرید رخ داد، به هیچ‌وجه رنگ و بوی فینال لیگ قهرمانان اروپا نداشت.

نگاه

علی‌ولی اللهی | تعارف که ننداریم؟ فینال لیگ قهرمانان اروپا اسمال چنگی به دل نزد، مخصوصاً وقتی می‌قابله‌اش کنیم با نیمه‌نهایی‌های وحشتناک و دراماتیک یک ماه قبل همین تورنمنت نیمه‌نهایی‌هایی که همین دوتایم لیورپول و تاتنهام تبدیل‌شان کردند به یکی از جذاب‌ترین بازی‌های تاریخ ما هم جوادیم کلی جوادیم و افسانه‌سرای کردیم که آیا بیاید ببینید فوتبال چقدر جذاب است، اما حالا باید بگوییم فینال وندامتر و پولیتانو هیچ چیز شبیه یک فینال در بالاترین سطح ممکن فوتبال نبود. فرمزها و سفیدهای زمین انگار که در یک بازی نسبتاً تشریفاتی لیگ برتر به مصاف هم رفتند و نتیجه مسابقه قر است در کمتر کش جدول تعییریاتی به وجود می‌آورد. نه هیچ‌جایی، نه چنگی، نه افت فشاری، نه تغییر ضرباتی.

ممکن است دلایل زیادی برای کاهش کیفیت فینال لیگ قهرمانان شمرده شود. گرمای هوا، آشنا نبودن تاتنهام با جو چنین مسابقه‌ای، استرس زیاد بازیکنان دو تیم، پنتالی زود هنگام و چیزهایی از این دست. احتمالاً همه اینها تأثیر گذار بوده اما اجازه بدهید دوربین را کمی بچرخانیم سمت آقای معمولی بازی و نمای بسته او را بگیریم تا شاید از چهره او بشود فهمید چرا سر نوشت فینال مادرید به این شکل درآمد به احتمال زیاد اگر یک نفر باشد که بتواند توضیح دهد چرا فینال یوسالی ۲۰۱۹ اکثر هواداران را کلافه کرده بود، آن شخص یورگن کلوپ است، مرد نقره‌های فینال‌های فوتبال، مردی که دیگر نتوانست در تقدیر تن بدهد. ۶ فینال و ۶ شکست و دو شکست در فینال لیگ قهرمانان، مرد دوم شدن، مرد کم آوردن در آخرین قدم، مرد از دست